

رابطه باور به دنیای ناعادلانه با واکنش پرخاشگرانه با توجه به کارکرد تعاملی وظیفه - شناسی و شناخت □

The Relationship between Belief in an Unjust World and Aggressive Reaction Consider to the Interaction Function of Conscientiousness and Cognition □

Mohsen Golparvar, Ph.D. ✉

Zahra Javadian, M.Sc.

Amin Barazandeh, M.Sc.

دکتر محسن گل پرور *

زهرا جوادیان *

امین برازنده *

Abstract

چکیده

This research was conducted with the aim of investigating the moderating role of cognitive attribution and conscientiousness in the relationship between belief in an unjust world and aggressive reaction of male students. Participants were the male students of high school, among them 196 persons were selected using stratified random sampling. Research instrument were the Belief in an Unjust World Questionnaire (Dalbert et al, 2001), the Aggressive Reaction Questionnaire (Golparvar & Javadian, 2010), the Three Scenarios of Cognitive Attribution (Golparvar & Javadian, 2010) and the Conscientiousness Questionnaire (Goldberg, 1992). Data were analyzed using Pearson's correlation coefficient and hierarchical regression analysis. Results revealed that, cognitive attribution and conscientiousness moderates the relationship between belief in an unjust world and aggressive reaction of male students. Simple slope analysis showed that in low conscientiousness, in cognitive hostile attribution, there is positive significant relationship between belief in an unjust world and aggressive reaction of male students, but in high conscientiousness, in cognitive hostile attribution, there was not significant relationship between belief in an unjust world and aggressive reaction of male students.

این پژوهش با هدف تعیین نقش تعدیل‌کننده اسناد شناختی و وظیفه شناسی در رابطه میان باور به دنیای ناعادلانه با واکنش پرخاشگرانه دانش آموزان پسر اجرا شد. جامعه آماری پژوهش را دانش آموزان پسر دبیرستانی تشکیل دادند که از بین آنها ۱۹۶ نفر به شیوه تصادفی طبقه ای انتخاب شدند. ابزارهای سنجش شامل پرسشنامه باور به دنیای ناعادلانه (دالبرت و همکاران، ۲۰۰۱)، پرسشنامه واکنش پرخاشگرانه (گل پرور و جوادیان، ۱۳۹۰)، سه سناریوی اسناد شناختی (گل پرور و جوادیان، ۱۳۹۰) و پرسشنامه وظیفه شناسی (گلدبرگ، ۱۹۹۲) بودند. داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی تحلیل گردید. نتایج نشان داد که اسناد شناختی و وظیفه شناسی رابطه باور به دنیای ناعادلانه را با واکنش پرخاشگرانه تعدیل می‌نمایند. تحلیل ساده شیب خط نشان داد که در وظیفه شناسی پایین، در موقعیت اسناد شناختی خصمانه باور به دنیای ناعادلانه با واکنش پرخاشگرانه دارای رابطه مثبت و معنادار، اما در وظیفه شناسی بالا و در اسناد شناختی خصمانه، باور به دنیای ناعادلانه با واکنش پرخاشگرانه دارای رابطه معنادار نیست.

Keywords: belief in an unjust world, cognitive-situational attribution, conscientiousness, aggressive reaction, male students

کلید واژه ها: باور به دنیای ناعادلانه، اسناد شناختی موقعیتی، وظیفه شناسی، واکنش پرخاشگرانه، دانش آموزان پسر

□ Department of Psychology, Islamic Azad University, Khorasgan Branch, Isfahan, I.R Iran.
✉ drmgolparvar@gmail.com

□ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۶/۲۵ تصویب نهایی: ۱۳۹۲/۱۱/۶
* دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان، اصفهان

● مقدمه

از سوالاتی که به طور عمومی انسان ها خود را با آن مواجه می بینند، این است که آیا دنیا مکانی عادلانه است یا ناعادلانه؟ این سوال که از سوالات محوری در نظام شناختی انسان ها محسوب می شود، عاقبت بر اثر تجارب مختلف توسط اغلب افراد پاسخ داده می شود. پاسخ پویایی که هر کس به این سوال در ذهن خود می دهد، دو دسته باور موسوم به «باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه» را به وجود می آورند. این باورها از بیش از سه دهه قبل تاکنون در جهان و چیزی حدود یک دهه قبل در ایران محور پژوهش های مختلف قرار گرفته اند (لرنر و میلر، ۱۹۷۸؛ گل پرور و جوادی، ۱۳۸۵). از نظر سیر تحول مفهومی، «باور به دنیای ناعادلانه»^۱ باوری برآمده از پژوهش های حوزه «باور به دنیای عادلانه» است که مشتمل بر ایده ای موسوم به عدم حاکمیت اصول و قواعد عدل و عدالت در عرصه دنیای فانی است. در حالی که در متن باور به دنیای عادلانه این ایده مطرح است که آنچه نصیب انسان ها می شود حاصل تصادف و شانسی نیست، بلکه حاصل تلاش، شایستگی و پشتکار است (دالبرت و استوبر، ۲۰۰۵؛ بگیو و میلر، ۲۰۰۶؛ دزوکا و دالبرت ۲۰۰۷؛ کریستوفر، زابل، جونز و مارک، ۲۰۰۸؛ لو، ۲۰۰۸؛ کالان، شد و اولسون، ۲۰۰۹؛ ایباتر دیس و فوزیانی، ۲۰۰۹؛ مک فارلین و کنوسن، ۲۰۱۰)، در باور به دنیای ناعادلانه به عنوان باوری مستقل از باور به دنیای عادلانه، ایده هایی از این سنخ مطرح می شوند که دنیا مکانی است که در آن گناهکاران در برابر عدالت مصونیت دارند، هر کس تلاش کمتری انجام دهد به نتایج مطلوب تری می رسد و چرخش روزگار نیز برنامه ای برای جبران بی عدالتی ها ندارد (گل پرور، جوادیان و مصاحبی، ۱۳۹۱). با تحلیل محتوای باور به دنیای ناعادلانه می توان پیش بینی کرد که این گونه باورها پیامدهای مثبتی برای افراد به بار نمی آورند. این چیزی است که پژوهش های گذشته از آن حمایت می کند. از زمره مهم ترین پیامدهای معرفی شده برای باور به دنیای ناعادلانه، در عرصه های عاطفی و هیجانی، تجربه حالات عاطفی منفی، نارضایتی از زندگی و افزایش سطح افسردگی، اضطراب و سوءظن و بدگمانی بیمارگون است (گل پرور و همکاران، ۱۳۹۱).

دلیل اینکه باور به دنیای ناعادلانه می تواند افراد را از نظر شناختی، عاطفی و هیجانی در وضعیت نامناسبی قرار دهند، مربوط به کارکردهایی است که این نوع باورها در سطح شناختی برای افراد به ارمغان می آورند. (گل پرور و واثقی، ۱۳۹۰). سال هاست که پژوهش های مختلف

در دنیا نشان داده اند که نظام های شناختی و تفسیری منفی از دنیای اطراف و وقایع آن با ایجاد حالاتی نظیر رنجش، ناامیدی و تمایل عاطفی و هیجانی به تلافی جویی و جبران به طور جدی انسان ها را به سوی رفتارهای پرخاشگرانه سوق می دهد (آندرسون و بوشمن، ۲۰۰۲). موج دیگری از پژوهش های موازی با پژوهش هایی که در آنها بر نقش و رابطه حالات عاطفی و هیجانی با رفتارهای پرخاشگرانه تمرکز داشته، نیز از سال ها پیش شروع و تاکنون ادامه یافته است. مشخصه اصلی این موج موازی این تفکر بوده که در پیش بینی پرخاشگری ترکیبی از مشخصه های شخصیتی، شناختی و عاطفی به نتایج واقع بینانه تری منتهی می شوند (آندرسون و بوشمن، ۲۰۰۲؛ چاکس، آربولدا و رینکن، ۲۰۱۲). در حمایت از رویکرد تعامل گرایی عوامل شخصیتی، شناختی و عاطفی در پیش بینی پرخاشگری، در پژوهش های چندی نشان داده شده که ویژگی های شخصیتی و شناخت ها از زمره تعدیل کنندگان بالقوه رابطه برخی باورها و انتظارات با واکنش پرخاشگرانه هستند (گل پرور و همکاران، ۱۳۹۱؛ حسن، بگیو، بوشمن، ۲۰۱۲؛ حسن، بگیو، اسپارکو و بوشمن، ۲۰۱۳). بر همین اساس در این پژوهش بر اسناد شناختی و ویژگی شخصیتی «وظیفه شناسی»^۲ به عنوان تعدیل کنندگان رابطه باور به دنیای ناعادلانه و واکنش پرخاشگرانه دانش آموزان پسر تمرکز شده است.

از لحاظ تاریخی «رویکردهای اجتماعی - شناختی»^۳ پرخاشگری بر نقش ویژگی های شخصیتی و عوامل شناختی در وقوع رفتارهای پرخاشگرانه تاکید زیادی نموده اند. برای نمونه بر اساس «مدل پرخاشگری عمومی»^۴، ویژگی های شخصیتی می توانند رفتارهای پرخاشگرانه را از طریق هیجان ها و شناخت های معطوف به پرخاشگری تحت تاثیر قرار دهند (بوشمن، بامیستر و فیلیپس، ۲۰۰۱؛ آندرسون و هوسمن، ۲۰۰۳؛ بتن کورت، تالی، بنجامین و والنتین، ۲۰۰۶؛ کمپیل و مونسر، ۲۰۰۹). ویژگی های شخصیتی زیادی تاکنون از طرف اندیشمندان با جهت گیری فکری و نظری متفاوت در مورد انسان ارائه شده که در این بین وظیفه شناسی به عنوان یکی از ویژگی های مطرح در پنج عامل بزرگ شخصیت اشاره ای است به تعهد و مسئولیت پذیری نسبت اهدافی که فرد برای خود در زندگی تعیین نموده و آنها را دنبال می کند (میلر، لینمن و لیک فلد، ۲۰۰۳). افرادی با وظیفه شناسی بالا، افرادی پرکار، پیشرفت گرا، با پشتکار، دقیق و مسئولیت پذیر هستند و اغلب کارها را بهتر و کامل تر از دیگران انجام می دهند (گلسن، یسن-کمپیل و ریچاردسون، ۲۰۰۴ a و b؛ اوده، رابینسون و

ویلکوسکی، ۲۰۰۸). شواهد پژوهشی حاکی از آن است که وظیفه شناسی با تمایل به رفتارهای پرخاشگرانه دارای رابطه منفی است (بتنکورت و همکاران، ۲۰۰۶؛ بارلت و آندرسون، ۲۰۱۲).

در کنار ویژگی های شخصیتی، «اسنادها»^۵ به عنوان یکی از عوامل شناختی نقشی جدی در بازداری یا راه اندازی واکنش های پرخاشگرانه ایفاء می کنند (نویدی، ۱۳۸۷؛ محمدزاده و کریمی، ۱۳۸۸). در عملیاتی سازی اسنادهای شناختی در پژوهش های گذشته هم از پرسشنامه و هم از سناریوهای فراخوان پرخاشگری استفاده شده است (فرانسیسکو، ۲۰۰۳؛ گل پرور و واتقی، ۱۳۹۰). در استفاده از سناریو، افراد با یکی از سه حالت «اسناد دوستانه» (شرایطی که فرد به این اسناد می رسد که افراد دیگر عموماً از سر دوستی و صداقت با وی رفتار می کنند)، «اسناد خصمانه» (افراد دیگر با دروغ و خصومت جویی با انسان رفتار می کنند) و «اسناد مبهم» (شرایطی که در آن انگیزه های دیگران برای فرد مبهم است) مواجه می شوند (گل پرور و جوادیان، ۱۳۹۰؛ گل پرور و واتقی، ۱۳۹۰). از لحاظ نظری نیز «نظریه های ارزیابی شناختی»^۶ خشم و پرخاشگری بر این نکته که ارزیابی شدت پیامدهای منفی و اسناد علیت و مسئولیت برای افراد دیگر می توانند نقشی غیرقابل اجتناب در بروز رفتارهای پرخاشگرانه داشته باشند، به شدت با یکدیگر اتفاق نظر دارند (حسن و همکاران، ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳؛ چاکس و همکاران، ۲۰۱۲). همچنین در نظریه های ارزیابی شناختی بر این نکته تأکید شده که با افزایش سطح ناکامی تجربه شده، همراه با اسناد علیت و مسئولیت پذیری به افراد دیگر، سطح خشم و پرخاشگری به عنوان واکنش پایانی افزایش می یابد (گل پرور و جوادیان، ۱۳۹۰). در واقع در این شرایط، پرخاشگری واکنشی به موقعیت ناعادلانه و تهدیدکننده محسوب می شود. در واقع تفسیر نهفته ذهنی در زمان پردازش اطلاعات اجتماعی عواملی مهم برای رفتارهای پرخاشگرانه محسوب می شوند (فرانسیسکو، ۲۰۰۳؛ بگیو و میلر، ۲۰۰۶). مطالعات چندی نشان می دهند که افراد پرخاشگر نسبت به افراد غیرپرخاشگر بیشتر احتمال دارد که نشانه های محیط اطراف خود را به عنوان نشانه های منفی خصومت جویی و آسیب رسانی از جانب تعبیر کنند (فرانسیسکو، ۲۰۰۳؛ آلود و بل، ۲۰۰۸؛ برادشاو، راجرز، گاندور و گاربارینو، ۲۰۰۹؛ گودارد، ۲۰۱۰؛ چاکس و همکاران، ۲۰۱۲). این یافته ها به این مفهوم است که وقتی افراد دارای تمایلات پرخاشگرانه زیربنایی باشند در پردازش اطلاعات اجتماعی دنیای پیرامون خود دچار سوگیری می شوند (گل پرور

و واتقی، ۱۳۹۰؛ گلپور و جوادیان، ۱۳۹۰).

در پژوهشی گل پرور و واتقی (۱۳۹۰) نشان داده اند که وقتی دانش آموزان دختر نسبت به فردی که مانع از دستیابی آنها به هدفشان شده دارای اسناد خصمانه هستند، باور به دنیای ناعدلانه با واکنش پرخاشگرانه دارای رابطه مثبت و معنادار است، ولی وقتی دارای اسناد دوستانه و مبهم نسبت به فرد ناکام کننده هستند، باور به دنیای ناعدلانه با واکنش پرخاشگرانه دانش آموزان دختر رابطه معناداری برقرار نمی کند. (بارلت و آندرسون، ۲۰۱۲؛ گل پرور و واتقی، ۱۳۹۰). این نتیجه در حوزه رابطه باور به دنیای عادلانه با واکنش پرخاشگرانه نیز در دانش آموزان دختر در پژوهش دیگری در ایران تایید شده است (گل پرور و جوادیان، ۱۳۹۰). آنچه که از پژوهش های قبلی در ایران در ارتباط با پژوهش حاضر به دست آمده تنها بخشی از واقعیت است. بر اساس روبرکرد کارکردهای متضاد (گل پرور و جوادیان، ۱۳۹۰) پیش بینی شده که ویژگی های شخصیتی متغیرهای تعدیل کننده مرتبه بعدی برای رابطه اسناد، باور به دنیای عادلانه و ناعدلانه و واکنش های پرخاشگرانه هستند. بر همین اساس، چون وظیفه شناسی مبتنی بر پشتکار و مسئولیت شناسی شخصی است، به جای آنکه در شرایط مواجهه با ناکامی زمینه فعال سازی باورهای خشونت گرا که عموماً به نتیجه چندان مطلوبی ممکن است منجر نشود را فراهم کند، فرد را با اسناد به مسئولیت شخصی در موقعیت ناکامی آور به دنبال راه حلی سازنده تر از پرخاشگری رهنمون خواهد کرد (میلر و همکاران، ۲۰۰۳؛ گلسن و همکاران، ۲۰۰۴ و b؛ اوده و همکاران، ۲۰۰۸).

بر اساس آنچه بیان شد، در این پژوهش تلاش شده است تا مشخص شود که در شرایط وظیفه شناسی پایین و بالا، «اسناد خصمانه به فرد ناکام کننده» منجر به چه رابطه ای بین «باور به دنیای ناعدلانه» با «واکنش پرخاشگرانه» در دانش آموزان پسر می شود. برای مشخص شدن وضعیت این پیش بینی ها این پژوهش انجام گرفت. فرضیه های زیر در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته اند.

□ فرضیه اول: باور به دنیای ناعدلانه با واکنش پرخاشگرانه در شرایط اسناد خصمانه (و نه اسناد دوستانه و مبهم) و وظیفه شناسی پایین دارای رابطه مثبت است.

□ فرضیه دوم: باور به دنیای ناعدلانه با واکنش پرخاشگرانه در شرایط اسناد خصمانه (و نه اسناد دوستانه و مبهم) و وظیفه شناسی بالا دارای رابطه منفی و یا غیرمعنادار است.

● روش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش های «همبستگی» است. در تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی انجام شده، باور به دنیای ناعادلانه به عنوان متغیر پیش بین، وظیفه شناسی و اسناد شناختی (در سه وضعیت خصمانه، مبهم و دوستانه) به عنوان متغیرهای تعدیل گر و واکنش پرخاشگرانه به عنوان متغیر ملاک در نظر گرفته شده‌اند. معیارهای ورود به پژوهش، مذکر بودن، تحصیل در دوره دبیرستان، موافقت برای مشارکت در پژوهش و سن ۱۵ تا ۱۸ بوده است. بر همین اساس جامعه آماری پژوهش را دانش آموزان پسر یک دبیرستان دولتی به تعداد ۴۰۰ نفر در شهر اصفهان در پاییز ۱۳۹۰ تشکیل داده است. انتخاب گروه نمونه فقط از میان پسران (و نه هر دو جنس) به دلیل این بوده که جنس یک متغیر بالقوه تعدیل کننده برای رابطه بین باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه با متغیرهای رفتاری است (گل پرور و جوادیان، ۱۳۹۰). بنابراین برای کنترل اثرات احتمالی جنس بر نتایج، در این پژوهش فقط از نمونه پسران دانش آموز استفاده شد. نمونه پژوهش را ۱۹۶ دانش آموز پسر از سه پایه اول تا سوم متوسطه تشکیل داده‌اند. نمونه ۱۹۶ نفری پژوهش با استفاده از شیوه نمونه گیری تصادفی طبقه ای به منظور رعایت تعداد دانش آموزان هر یک از پایه های اول تا سوم نمونه گیری شدند. ۱۹۶ نفر به صورت کاملاً تصادفی به سه موقعیت خصمانه (۶۴ نفر)، دوستانه (۶۴ نفر) و موقعیت مبهم (۶۸ نفر) گمارده شدند. میانگین سنی اعضای نمونه ۱۵/۹۹ سال (با انحراف معیار ۱/۱۴) بود.

● ابزار

□ الف: «سه سناریوی اسناد شناختی موقعیتی»^۷: براساس سه سناریوی معرفی شده توسط گل پرور و جوادیان (۱۳۹۰) سه موقعیت «خصمانه»، «دوستانه» و «مبهم» برای پژوهش حاضر تهیه شد. شرح کلی سه سناریوی مورد استفاده به این شرح است: فرد پاسخگو شرایطی را در نظر می گیرد که در حال تلاش برای دستیابی به هدفی مهم است با اینحال در دستیابی به این هدف با فردی دیگر مواجه می شود که باعث می شود تا وی به هدف خود نرسد. در موقعیت خصمانه فرد پاسخگو پس از اینکه به دلیل کارشکنی فرد دیگر نمی تواند به هدفش برسد، متوجه می شود که فردی که نگذاشته وی به هدفش برسد به طور عمدی و با خصومت مانع از رسیدن وی به هدفش شده است. در موقعیت مبهم، فرد پاسخگو پس از اینکه به دلیل

کارشکنی فرد دیگر نمی تواند به هدفش برسد اصلاً متوجه نمی شود که آیا واقعاً فردی که نگذاشته وی به هدفش برسد عمداً و از روی خصومت این کار را کرده یا خیر؟ و کماکان این سؤال در ذهنش بدون پاسخ می ماند که آیا واقعاً وی عمداً این کار را کرد یا خیر؟. در موقعیت دوستانه نیز فرد پاسخگو پس از اینکه به دلیل کارشکنی فرد دیگر نمی تواند به هدفش برسد متوجه می شود که فردی که نگذاشته وی به هدفش برسد واقعا سعی کرده دوستانه به وی کمک کند اما با این حال باعث شده تا وی به هدفش نرسد. بنابراین با آسودگی خاطر و بدون رنجش موقعیت را ترک می کند. این سه سناریو برای هر یک از دانش آموزانی که به یکی از سه موقعیت «اسناد خصمانه»، «دوستانه» و «مبهم» گمارده می شدند استفاده شد. اجرای سناریوها برای سه گروه «موقعیت دوستانه»، «موقعیت خصمانه» و «موقعیت مبهم» تهیه و اجرا شد.

□ ب: «پرسشنامه واکنش پرخاشگرانه»: برای سنجش واکنش پرخاشگرانه هریک از دانش آموزان پسر به سه موقعیت خصمانه، دوستانه، و مبهم از دو سؤال معرفی شده توسط گل پرور و جوادیان (۱۳۹۰) که بر مقیاس پنج درجه ای (کاملاً مخالفم = ۱ تا کاملاً موافقم = ۵) پاسخ داده شده است، استفاده شد (دو ماده مذکور بدین شرح هستند: مواجه شدن با چنین موقعیتی مرا به شدت خشمگین می کند و بدون تردید سعی می کنم تلافی این اتفاق را بر سرفردی که نگذاشت به هدف خود برسم در بیاورم). این دو سؤال بر اساس مطالعات قبلی انجام شده در ایران (گل پرور و واثقی، ۱۳۹۰؛ گل پرور و جوادیان، ۱۳۹۰) از روایی و اعتبار مطلوبی برای سنجش میزان واکنش پرخاشگرانه به موقعیت های مطرح در سناریوهای دستکاری اسناد شناختی به موقعیت برخوردار هستند. گل پرور و واثقی (۱۳۹۰) همبستگی دو ماده را برابر با $0/51$ ($p < 0/01$) گزارش نموده و در پژوهش حاضر همبستگی دو ماده با یکدیگر برابر با $0/6$ ($p < 0/01$) به دست آمد.

□ ج: «پرسشنامه باور به دنیای ناعادلانه»: برای سنجش باور به دنیای ناعادلانه از مقیاس چهار سؤالی معرفی شده توسط دالبرت، لیبکاس، سالی و گوج (۲۰۰۱) که در مقیاس شش درجه ای لیکرت (کاملاً مخالفم = ۱ تا کاملاً موافقم = ۶) پاسخ داده می شود، استفاده شد. این پرسشنامه قبلاً در ایران توسط گل پرور و واثقی (۱۳۹۰) از نظر روایی و اعتبار بررسی و دارای شواهد قابل قبولی است. گل پرور و واثقی (۱۳۹۰) آلفای کرونباخ این پرسشنامه را

برابر با ۰/۶۲ گزارش نموده اند. برای بررسی روایی سازه این مقیاس بر روی چهار سؤال آن تحلیل عاملی اکتشافی با چرخش از نوع واریماکس انجام گرفت. نتایج حاصل از این تحلیل هر چهار سؤال را بر روی یک عامل قرار داد. آلفای کرونباخ این پرسشنامه در پژوهش حاضر ۰/۷ به دست آمد.

□ د: «پرسشنامه وظیفه شناسی»^{۱۰}: وظیفه شناسی از خرده مقیاس ده سوالی پرسشنامه پنج عامل بزرگ شخصیت گلدبرگ (۱۹۹۲) سنجش گردید. این پرسشنامه بر مقیاس پنج درجه‌ای (بسیار غیردقیق است=۱ تا کاملاً دقیق است=۵) پاسخ داده می شود و به دلیل عدم دسترسی به نسخه فارسی از زبان انگلیسی طی فرایند دو مرحله ای (ترجمه و تطابق تخصصی) برای این پژوهش ترجمه و آماده اجرا گردید. گلدبرگ (۱۹۹۲) آلفای کرونباخ ۰/۸ را برای وظیفه شناسی گزارش نموده و روایی سازه آن را با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی و تاییدی مستند ساخته است. در این پژوهش نیز تحلیل عاملی اکتشافی (طی دو مرحله) روایی سازه این ده سؤال را مستند و آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷۲ را به دست داد.

□ پرسشنامه‌های پژوهش به صورت خودگزارش دهی طی زمان ۱۵ تا ۲۰ دقیقه در محل کلاس اعضای نمونه پاسخ داده شدند. داده‌های حاصل از پرسشنامه‌های پژوهش با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی مورد تحلیل قرار گرفت. در تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی «باور به دنیای ناعادلانه» متغیر پیش‌بین، «اسناد شناختی» و «وظیفه شناسی» متغیر تعدیل‌کننده و «واکنش پرخاشگرانه» متغیر ملاک در نظر گرفته شدند. از آنجایی که در تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی جملات تعامل استفاده شده است، بنابر توصیه آیکن و وست (۱۹۹۱) عمل شده است. در بررسی داده‌های پرت، هیچ موردی از داده‌های پرت در داده‌ها وجود نداشت و داده‌های مفقود (بدون پاسخ) که کمتر از ۰/۸ درصد بودند با استفاده از میانگین مقیاس جایگزین شدند. در بررسی کجی متغیرها، میزان کجی در حد قابل قبولی بود. تحلیل‌های انجام شده با استفاده از نرم‌افزار آماری - رایانه‌ای SPSS انجام پذیرفت.

● یافته‌ها

«بررسی تأثیر دستکاری اعمال شده»^{۱۱}: برای اطمینان از اینکه دستکاری‌های موقعیتی اعمال شده از طریق سه سناریوی مورد استفاده در پژوهش بر شرکت کنندگان مؤثر بوده

است، پس از سوالات مربوط به واکنش به عملکرد فردی که نگذاشته فرد پاسخگو به هدفش برسد، در موقعیت «خصمانه»، «مبهم» و «دوستانه» یک سوال مبنی بر اینکه واقعا فرد پاسخگو فکر می کند که فرد دیگر از روی عمد (اسناد خصمانه)، یا از روی دوستی (دوستانه) و یا به طور نامشخص (مبهم) نگذاشته تا فرد پاسخگو به هدفش برسد از وی سوال و پاسخ وی در یک طیف لیکرت پنج درجه ای (کاملا مخالفم=۱ تا کاملا موافقم=۵) ثبت گردید. داده ها در این قسمت به تفکیک سه گروه (خصمانه، دوستانه و مبهم) از طریق تحلیل واریانس یک راهه، مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصل از این تحلیل واریانس معنادار ($p < 0/05$) و $F(193, 2) = 19/77$ بود. آزمون تعقیبی توکی بر روی سه گروه حاکی از آن بود که افراد گروه موقعیت خصمانه به صورت معناداری نسبت به دو گروه موقعیت دوستانه ($p < 0/01$) و گروه موقعیت مبهم ($p < 0/05$) رفتار فردی که نگذاشته فرد پاسخگو به هدفش برسد را به بی صداقتی و خصومت وی نسبت داده اند. بین گروه موقعیت دوستانه و گروه موقعیت مبهم، تفاوت معناداری ($p > 0/05$) به دست نیامد. این نتایج حاکی از آن است که به ویژه سناریوی موقعیت خصمانه، اسناد بی صداقتی و خصومت را در دانش آموزان پسر آن گروه فعال ساخته است. در جدول ۱، میانگین و انحراف معیار و همبستگی درونی متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

جدول ۱. میانگین، انحراف معیار و ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

ردیف	متغیرهای پژوهش	شاخص ها	میانگین	انحراف معیار	۱	۲
۱	باور به دنیای ناعادلانه		۳/۷	۱/۱۹	-	-
۲	وظیفه شناسی		۳/۳	۰/۶۳	-۰/۰۵	-
۳	واکنش پرخاشگرانه		۴/۱	۱/۴۶	۰/۰۷	-۰/۱

چنانکه در جدول ۱ مشاهده می شود، در سطح روابط ساده بین متغیرهای پژوهش رابطه معناداری وجود نداشته است. در شرایطی که متغیری از متغیرهای یک پژوهش دارای شرایط تعدیل کنندگی است این امکان که در سطح روابط ساده بین متغیرها رابطه معناداری به دست نیاید وجود دارد (آیکن و وست، ۱۹۹۱). در جدول ۲ نتایج تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی برای پیش بینی واکنش پرخاشگرانه از طریق باور به دنیای ناعادلانه و وظیفه شناسی و تعامل آنها ارائه شده است.

چنانکه در جدول ۲ مشاهده می‌شود، در بلوک اول (اثرات اصلی ۱) که باور به دنیای عادلانه برای پیش‌بینی واکنش پرخاشگرانه وارد معادله پیش‌بین شده، نتوانسته واریانس تبیین شده معناداری برای پیش‌بینی واکنش پرخاشگرانه به وجود آورد. در بلوک دوم (اثرات اصلی ۲) که اسناد شناختی و وظیفه شناسی برای پیش‌بینی واکنش پرخاشگرانه وارد معادله پیش‌بین شده، اسناد شناختی با ضریب بتای استاندارد برابر با $0/29$ ، $-$ ، $9/2$ درصد واریانس تبیین شده افزوده معنادار برای پیش‌بینی واکنش پرخاشگرانه به وجود آورده است. در بلوک سوم (اثرات تعاملی ۱) تعامل وظیفه شناسی \times باور به دنیای ناعادلانه به معادله پیش‌بین افزوده شده، که چنانکه ملاحظه می‌شود، این تعامل نیز واریانس تبیین شده معنادار برای واکنش پرخاشگرانه پدید نیآورده است. در بلوک چهارم (اثرات تعاملی ۲) تعامل باور به دنیای ناعادلانه \times وظیفه شناسی \times اسناد شناختی به معادله پیش‌بین افزوده شده، که چنانکه ملاحظه می‌شود، این تعامل با ضریب بتای استاندارد برابر با $0/15$ ، $2/2$ درصد واریانس افزوده معنادار برای واکنش پرخاشگرانه پدید آورده است. این تعامل معنادار به این معنی است که در سطوح سه گانه اسناد شناختی (خصمانه، دوستانه و مبهم) و در وظیفه شناسی بالا و پایین رابطه باور به دنیای ناعادلانه و واکنش پرخاشگرانه متفاوت است.

جدول ۲. نتایج تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی برای پیش‌بینی واکنش پرخاشگرانه از طریق اسناد شناختی و وظیفه شناسی

ردیف	متغیرهای پیش‌بین	واکنش پرخاشگرانه			
		اثر اصلی ۱	اثر اصلی ۲	اثرات تعاملی ۱	اثرات تعاملی ۲
		β	β	β	β
۱	باور به دنیای ناعادلانه	$0/07$	$0/07$	$0/06$	$0/07$
۲	اسناد شناختی	$-0/29^{**}$	$-0/29^{**}$	$-0/27^{**}$	$-0/27^{**}$
۳	وظیفه شناسی	$-0/08$	$-0/08$	$-0/06$	$-0/06$
۴	وظیفه شناسی \times باور به دنیای ناعادلانه	$-$	$-$	$0/01$	$0/01$
۵	باور به دنیای ناعادلانه \times وظیفه شناسی \times اسناد شناختی	$-$	$-$	$0/15^*$	$0/15^*$
۶	ΔR^2 و R^2	$0/05$	$0/092$	$0/000$	$0/022$
۷	ΔF و F	$0/38$	$9/73^{**}$	$0/011$	$4/76^*$

* $p < 0/05$ ** $p < 0/01$

تحلیل ساده شیب خط سه گانه اسناد شناختی (خصمانه، دوستانه و مبهم) و وظیفه شناسی بالا و پایین نتایج قابل توجهی به دست داد که نتیجه آن را در جدول ۳ و نمودار ۱ و ۲ مشاهده می‌کنید. چنانکه در این جدول مشاهده می‌شود، در گروه وظیفه شناسی پایین، باور

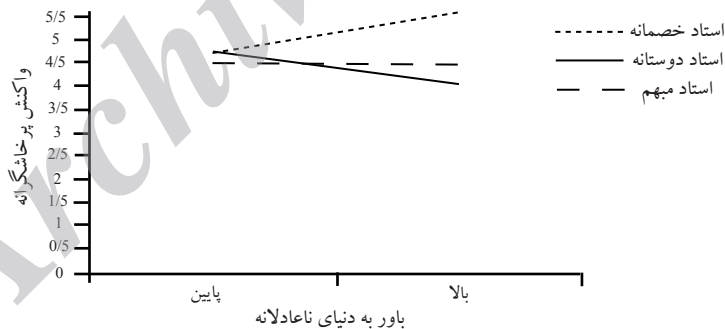
به دنیای ناعادلانه با واکنش پرخاشگرانه دارای رابطه مثبت و معناداری هستند ($p < 0/05$)، ولی در وظیفه شناسی بالا بین باور به دنیای ناعادلانه با واکنش پرخاشگرانه رابطه معناداری وجود ندارد ($p > 0/05$).

جدول ۳. تحلیل رگرسیون تفکیکی گروه های سه گانه اسناد شناختی برای پیش بینی واکنش پرخاشگرانه در سطوح وظیفه-شناسی

گروه مبهم n=۶۸				گروه دوستانه n=۶۴				گروه خصمانه n=۶۴				متغیر پیش بین
R ²	β	SE	b	R ²	β	SE	b	R ²	β	SE	b	
متغیر ملاک: واکنش پرخاشگرانه												
وظیفه شناسی پایین												
۰/۰۰۱	-۰/۰۳	۰/۳	-۰/۰۳	۰/۱	-۰/۳۲	۰/۴	-۰/۳۹	۰/۳*	۰/۵۵*	۰/۲	۰/۴۷*	باور به دنیای ناعادلانه
وظیفه شناسی بالا												
۰/۲۲	۰/۴۶	۰/۲۵	۰/۳۹	۰/۰۰۸	۰/۰۹	۰/۵۵	۰/۱۵	۰/۲۹	۰/۵۴	۰/۲۴	۰/۴۴	باور به دنیای ناعادلانه

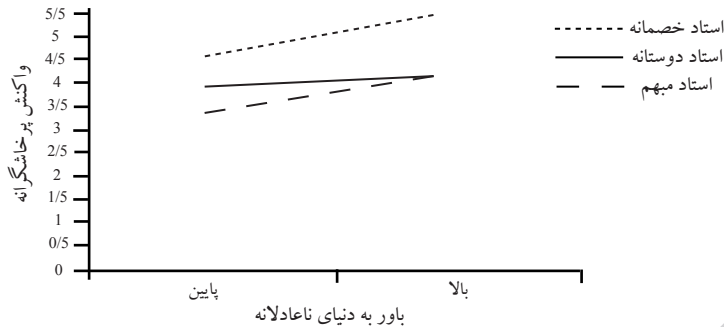
* $p < 0/05$

چنانکه در شکل ۱ مشاهده می شود، در گروه خصمانه و در وظیفه شناسی پایین افزایش باور به دنیای ناعادلانه با شیب قابل توجهی به افزایش واکنش پرخاشگرانه منجر می شود، ولی در گروه دوستانه افزایش باور به دنیای ناعادلانه با شیب قابل توجهی به کاهش واکنش پرخاشگرانه و در گروه مبهم افزایش باور به دنیای ناعادلانه چندان به واکنش پرخاشگرانه منجر نمی شود.



شکل ۱. تحلیل ساده شیب خط برای پیش بینی واکنش پرخاشگرانه از طریق باور به دنیای ناعادلانه در سه موقعیت اسناد شناختی و وظیفه شناسی پایین

چنانکه در شکل ۲ مشاهده می شود، در گروه خصمانه و مبهم در وظیفه شناسی بالا، افزایش باور به دنیای ناعادلانه با واکنش پرخاشگرانه دارای رابطه مثبت، ولی در گروه دوستانه این چنین نیست. لازم به ذکر است که هیچ یک از روابط در وظیفه شناسی بالا معنادار نمی باشد.



شکل ۲ تحلیل ساده شیب خط پیش‌بینی واکنش پرخاشگرانه از طریق باور به دنیای ناعادلانه در سه موقعیت اسناد شناختی و وظیفه‌شناسی بالا

● بحث و نتیجه‌گیری

○ این پژوهش با هدف «تعیین نقش تعدیل‌کننده اسناد شناختی و وظیفه‌شناسی در رابطه باور به دنیای ناعادلانه و واکنش پرخاشگرانه در دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه» اجرا شد. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که در شرایط اسناد خصمانه و وظیفه‌شناسی پایین رابطه باور به دنیای ناعادلانه و واکنش پرخاشگرانه دانش‌آموزان پسر مثبت و این رابطه در اسناد مبهم منفی است (شکل ۱). این شواهد تاییدی بر فرضیه اول پژوهش است که در آن بیان شد که باور به دنیای ناعادلانه با واکنش پرخاشگرانه در شرایط اسناد خصمانه (و نه اسناد دوستانه و مبهم) و وظیفه‌شناسی پایین دارای رابطه مثبت است. همچنین بخش دیگری از نتایج نشان داد که در شرایط اسناد خصمانه و وظیفه‌شناسی بالا رابطه باور به دنیای ناعادلانه و واکنش پرخاشگرانه دانش‌آموزان پسر مثبت ولی غیرمعنادار است (شکل ۲). این بخش از شواهد نیز تاییدی بر فرضیه دوم پژوهش است که در آن بیان شد که باور به دنیای ناعادلانه با واکنش پرخاشگرانه در شرایط اسناد خصمانه و وظیفه‌شناسی بالا دارای رابطه منفی یا غیرمعنادار است.

○ تاکنون در پژوهش‌های چندی نشان داده شده که باور به دنیای ناعادلانه با رفتار پرخاشگرانه دارای رابطه مثبت (گل‌پرور و واثقی، ۱۳۹۰)، اسناد خصمانه با رفتار پرخاشگرانه دارای رابطه مثبت (بگیو و میلر، ۲۰۰۶؛ گلپرور و جوادیان، ۱۳۹۰) و وظیفه‌شناسی با رفتار پرخاشگرانه دارای رابطه منفی (بتن کورت و همکاران، ۲۰۰۶؛ بارلت و آندرسون، ۲۰۱۲) هستند. در سطح روابط ساده چنانکه در جدول ۱ نشان داده شد، در پژوهش حاضر بین

باور به دنیای ناعادلانه با واکنش پرخاشگرانه و بین وظیفه شناسی با واکنش پرخاشگرانه و باور به دنیای ناعادلانه رابطه معناداری به دست نیامد. در شرایطی که متغیرهای تعدیل کننده نیرومندی در روابط بین متغیرها مطرح باشند، این امکان وجود دارد که در سطح روابط ساده بین متغیرها، روابط معناداری به دست نیاید (گلپرو و واتقی، ۱۳۹۰). این تبیین در جدول‌ها رگرسیون سلسله مراتبی در این پژوهش به خوبی نشان داده شد (جدول‌های ۲ و ۳).

○ آنچه در باب نقش تعدیلکننده اسناد شناختی و وظیفه شناسی در رابطه باور به دنیای ناعادلانه و واکنش پرخاشگرانه دانش آموزان پسر به دست آمد، در درجه اول با رویکرد پرخاشگری عمومی تا اندازه‌ای (نه به طور کامل) همسویی دارد. در این رویکرد به صراحت بیان شده که ویژگی‌های شخصیتی (نظیر وظیفه شناسی) در ارتباط با رفتارهای پرخاشگرانه با باورها و شناخت‌های پرخاشگرانه تعامل می‌نمایند (بوشمن و همکاران، ۲۰۰۱؛ آندرسون و هوسمن، ۲۰۰۳؛ میلر و همکاران، ۲۰۰۳؛ گلزن و همکاران، ۲۰۰۴؛ b؛ بتن کورت و همکاران، ۲۰۰۶؛ اوده و همکاران، ۲۰۰۸؛ کمپیل و مونسر، ۲۰۰۹). علیرغم این که در پیشینه پژوهش در دسترس، باور به دنیای ناعادلانه یک باور مستقیم پرخاشگرانه معرفی نشده، ولی این نوع باورها به طور جدی با سوءظن و بدگمانی (گل پرو و همکاران، ۱۳۹۱) و رفتارها و واکنش‌های پرخاشگرانه (گل پرو و واتقی، ۱۳۹۰) دارای رابطه است. از چنین منظری کاملاً منطقی به نظر می‌رسد که باور به دنیای ناعادلانه به عنوان باوری مرتبط با پرخاشگری با واکنش پرخاشگرانه دانش آموزان پسر در وظیفه شناسی پایین و در اسناد خصمانه ارتباط مثبت پیدا کند. اما وضعیت زمانی که وظیفه شناسی افزایش می‌یابد و به سطح بالایی می‌رسد کمی پیچیده تر می‌گردد. همانطور که در نمودار ۲ نشان داده شد، در وظیفه شناسی بالا وضعیت ارتباط بین باور به دنیای ناعادلانه و واکنش پرخاشگرانه دانش آموزان پسر در اسناد خصمانه، برعکس وظیفه شناسی پایین، غیرمعنادار بود.

○ چنین نتیجه‌ای به نظر نمی‌رسد به سادگی از طریق رویکرد پرخاشگری عمومی (بارلت و آندرسون، ۲۰۱۲) قابل تبیین باشد. به نظر می‌رسد، نتایج حاصل از وظیفه شناسی پایین و بالا در درجه اول از «کارکردهای متضاد»^{۱۲} (به دلیل منفی بودن رابطه باور به دنیای عادلانه با واکنش پرخاشگرانه در اسناد خصمانه) و خنثی سازی (به دلیل غیرمعنادار بودن رابطه) باورها و اسنادها در متن وظیفه شناسی (برعکس این تفسیر نیز امکان پذیر است)

خبر می دهد. در عین حال این رویکرد با این یافته و تبیین که باور به دنیای ناعادلانه با رفتار پرخاشگرانه دارای رابطه منفی است (گل پرور و واثقی، ۱۳۹۰) تا اندازه قابل توجهی متفاوت است.

○ علاوه بر آنچه بیان شد، یافته های حاصل از این پژوهش یک نکته دیگر را نیز نشان می دهد و آن اینکه اسنادها و ویژگی های شخصیتی می توانند برای یکدیگر نقش جای گشت پذیر داشته باشند. یعنی عملاً یکی ممکن است اثرات عمومی دیگری را خنثی نماید. این یافته نیز رویکردی موسوم به رویکرد کارکردهای «تعاملی و جای گشت پذیر» شخصیت و شناخت را به ذهن متبادر می سازد. در توضیح ساده تر این رویکرد باید گفت وقتی اسناد خصمانه با رفتار و واکنش پرخاشگرانه رابطه مثبت پیدا می کند (بگیو و میلر، ۲۰۰۶؛ گل پرور و واثقی، ۱۳۹۰)، از نقطه نظر رویکردهایی نظیر رویکرد پرخاشگری عمومی منطقی است، ولی وقتی این رابطه در متن وظیفه شناسی به عنوان یک ویژگی شخصیتی قرار می گیرد، ممکن است کاملاً عکس عمل نماید و مثلاً در وظیفه شناسی بالا نه تنها به افزایش پرخاشگری منتهی نشود بلکه به کاهش آن نیز منتهی گردد. وقوع و پدیدآیی این مکانیسم خنثی سازی اثر باور به دنیای ناعادلانه و اسناد خصمانه بر واکنش پرخاشگرانه در تعامل با وظیفه شناسی، با احتمال خیلی زیاد به اسناد مسئولیت شخصی نیرومند در وظیفه شناسی بالا مربوط می شود. افراد دارای وظیفه شناسی بالا، مسئولیت پذیری قابل توجهی در قبال تصمیمات خود و اهدافشان دارند (کمپیل و مونسر، ۲۰۰۹). این امر مانع از این می شود که حتی در باور به دنیای ناعادلانه بالا و در اسناد خصمانه به فردی که باعث شده تا آنها به هدف خود نرسند، دست به واکنش پرخاشگرانه در برابر فرد دیگر بزنند. به نظر می رسد که این همان رویکرد کارکردهای تعاملی جای گشت پذیر شخصیت و شناخت را نشان می دهد که باز هم تاکنون چندان در پژوهش های داخلی و خارجی چندان مورد توجه قرار نگرفته است. این رویکرد دارای این مزیت است که «نسبیت گرایی پیامدی» را برای باورها، اسنادها و ویژگی های شخصیتی نظیر وظیفه شناسی مطرح می کند. در عین حال این رویکرد این امکان را فراهم می سازد تا بتوانیم در شرایط پیچیده، بهتر به پیش بینی رفتار افراد با نگاه به تعامل شناخت و شخصیت و «تعامل متضاد کارکردی» آنها، اقدام نمائیم.



یادداشت ها

- | | |
|---|--------------------------------------|
| 1. belief in an unjust world | 2. conscientiousness |
| 3. social- cognitive approaches | 4. general aggression model |
| 5. attributions | 6. cognitive appraisal theories |
| 7. Three Scenarios of Cognitive Attribution | 8. Aggressive Reaction Questionnaire |
| 9. Blief in an Unjust World Questionnaire | 10. Conscientiousness Questionnaire |
| 11. manipulation check | 12. contrast functions |

● منابع

- حسن زاده، ر. (۱۳۸۲). روش های تحقیقی در علوم رفتاری. تهران: نشر ساوالان.
- گل پرور، محسن و جوادی، س. ۱۳۸۵. الگوی ارتباطی بین باورهای دنیای عادلانه برای خود و دیگران با شاخص های بهداشت روانی: الگوی معادلات ساختاری. فصلنامه اصول بهداشت روانی، ۸ (۳۱ و ۳۲)، ۱۰۹-۱۲۲.
- گل پرور، محسن و جوادیان، زهرا. (۱۳۹۰). نقش دردسر آفرینی و اسناد شناختی در رابطه با باور به دنیای عادلانه و واکنش پرخاشگرانه دانش آموزان دختر: نظریه ایرانی کارکرد دوگانه متضاد. اندیشه و رفتار، ۶ (۲۱)، ۶۱-۷۱.
- گلپرور، محسن، و اثقی، زهرا. (۱۳۹۰). مقایسه رابطه باور به دنیای ناعادلانه و واکنش پرخاشگرانه بر پایه سطوح سه گانه اسناد. مجله روان شناسی، ۱۵ (۵۳/۳)، ۲۵۲-۲۳۵.
- محمدزاده، علی، کریمی، یوسف. (۱۳۸۸). بررسی سوءگیری های اسنادی در شخصیت اسکیزو تایپی. مجله روانشناسی، ۱۳ (۴۹/۱)، ۸۵-۹۷.
- نویدی، احد. (۱۳۸۷). بررسی تاثیر آموزش مدیریت خشم بر سلامت عمومی. مجله روانشناسی، ۱۲ (۴۸/۴)، ۴۲۸-۴۱۴.
- Aiken, L.S., & West, S.G. (1991). *Multiple regression: Testing and interpreting interactions*. Sage, New Bury Park, CA.
- Allwood, M. A., & Bell, D. J. (2008). A preliminary examination of emotional and cognitive mediators in the relations between violence exposure and violent behaviors in youth. *Journal of Community Psychology, 36*, 989-1007.
- Anderson, C. A., & Bushman, B. J. (2002). Human aggression. *Annual Review of Psychology, 27*, 51-53
- Anderson, C. A., & Huesmann, R. L. (2003). Human aggression: A social-cognitive view. In M. A. Hogg & J. Cooper (Eds.), *The sage handbook of social psychology (pp. 259-287)*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
- Barlett, C.P., & Anderson, C.A. (2012). Direct and indirect relations between the Big 5

- Personality Traits and aggressive and violent behavior. *Personality and Individual Differences*, 52, 870–875.
- Begue, L., & Muller, D. (2006). Belief in a just world as moderator of hostile attributional bias. *The British Journal of Social Psychology*, 45, 117-126.
- Bettencourt, B.A., Talley, A., Benjamin, A.J., & Valentine, J. (2006). Personality and aggressive behavior under provoking and neutral conditions: A meta-analytic review. *Psychological Bulletin*, 132(5), 751–777.
- Bradshaw, C. P., Rodgers, C. R. R., Ghandour, L. A., & Garbarino, J. (2009). Social-cognitive mediators of the association between community violence exposure and aggressive behavior. *School Psychology Quarterly*, 24, 199-210.
- Bushman, B. J., Baumeister, R. F., & Phillips, C. M. (2001). Do people aggress to improve their mood? Catharsis beliefs, affect regulation opportunity, and aggressive responding. *Journal of Personality and Social Psychology*, 81, 17–32.
- Callan, M. J., Shead, N. W., & Olson, J. M. (2009). Fore going the labor for the fruits: The effect of just world threat on the desire for immediate monetary rewards. *Journal of Experimental Social Psychology*, 45, 246-249.
- Campbell, A., & Muncer, S. (2009). Can ‘risky’ impulsivity explain sex differences in aggression? *Personality and Individual Differences*, 47, 402–406.
- Chaux, E., Arboleda, J., & Rincón, C. (2012). Community violence and reactive and proactive aggression: The mediating role of cognitive and emotional variables. *Revista Colombiana de Psicología*, 21 (2), 233-251.
- Christopher, A. N., Zabel, K. L., Jones, J. R., & Marek, P. (2008). Protestant ethic ideology: Its multifaceted relationships with just world beliefs, social dominance orientation, and right – wing authoritarianism. *Personality and Individual Differences*, 45, 473-477.
- Dalbert, C., Lipkus, I. M., Sallay, H., & Goch, I. (2001). A just and an unjust world: Structure and validity of different world beliefs. *Personality and Individual Differences*, 30, 561-577 .
- Dalbert, C., & Stoeber, J. (2005). Belief in a just world and distress at school. *Social Psychology of Education*, 8, 123-135.
- Dzuka, J., & Dalbert, C. (2007). Aggression at school: Belief in a personal just world and well-being of victims and aggressors. *Studia Psychologica*, 49, 313-320.
- Francisco, J. C. (2003). *Social information processing as a mediator of exposure to community violence and reactive and proactive aggression*. Unpublished Master Thesis in Psychology, Virginia Polytechnic Institute and State University.

- Gleason, K. A., Jensen-Campbell, L. A., & Richardson, D. S. (2004a). Agreeableness as a predictor of aggression in adolescence. *Aggressive Behavior, 30*, 43–61.
- Gleason, K. A., Jensen-Campbell, L. A., & Richardson, D. S. (2004b). Agreeableness as a predictor of aggression in adolescence. *Aggressive Behavior, 30*, 43–61.
- Goddard, H. L. (2010). *Exploring factors associated with aggressive behavior in adolescents*. Unpublished Doctoral Dissertation, Centre for Forensic and Criminological Psychology School of Psychology, University of Birmingham.
- Goldberg, L. R. (1992). The development of markers for the Big-Five Factor Structure. *Psychological Assessment, 4*, 42–26 .
- Hasan, Y., Bègue, L., & Bushman, B. J. (2012). Viewing the world through “blood-red tinted glasses”: The hostile expectation bias mediates the link between violent video game exposure and aggression. *Journal of Experimental Social Psychology, 48*, 953-956
- Hasan, Y., Bègue, L., Scharkow, M., & Bushman, B. J. (2013). The more you play, the more aggressive you become: A long-term experimental study of cumulative violent video game effects on hostile expectations and aggressive behavior. *Journal of Experimental Social Psychology, 49*, 224–227.
- Iatridis, T., & Fousiani, K. (2009). Effects of status and outcome on attributions and just – world beliefs: How the social distribution of success and failure may be rationalized. *Journal of Experimental Social Psychology, 45* (2), 415-420.
- Lerner, M., & Miller, D. (1978). Just world research and the attribution processes: Looking back and ahead. *Psychological Bulletin, 85*, 1030-1051.
- Lo, H. H. (2008). Belief in a just world and belief in idealism as predictors of the perceptions of distributive and procedural Justice. *Web Journal of Chinese Management Review, 11*(2), 1-10.
- Miller, J. D., Lynam, D., & Leukefeld, C. (2003). Examining antisocial behavior through the five-factor model of personality. *Aggressive Behavior, 29*, 497–514.
- McParland, J. L., & Knussen, C. (2010). Just world beliefs moderate the relationship of pain intensity and disability with psychological distress in chronic pain support group members. *European Journal of Pain, 14* (1), 71-76.
- Ode, S., Robinson, M. D., & Wilkowski, B. M. (2008). Can one’s temper be cooled? A role for agreeableness in moderating neuroticism’s influence on anger and aggression. *Journal of Research in Personality, 42*, 295–311.

